

Identifying and prioritizing factors affecting the tax evasion of real taxpayers (case study: Nour City)

Maryam Jafari¹, Masoumeh Hosseinpour¹, Ehsan Mirani², Om Kolsoum Kazemi³

Received: June 6, 2024

Accepted: September 21, 2024

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to identify the most important reasons for tax evasion and provide its ranking based on the opinion of experts and tax managers working in the tax affairs department of Nour City.

Methodology: The population under study consists of all employees and managers of Nour City Tax Administration, as of 2023. First, several factors of tax evasion were investigated and confirmed using the first questionnaire and SPSS software. In the following, using the paired comparison questionnaire and Expert choice software, the most important criteria and sub-criteria affecting tax evasion were identified and then prioritized.

Findings: The results showed that none of the five criteria and their sub-criteria were unimportant from the point of view of the research experts, and the law and regulation criterion among other criteria has the greatest effect on tax evasion.

Originality: Undoubtedly, one of the ways to deal with tax evasion is to establish laws and regulations that can intelligently predict all the ways to penetrate the law and even circumvent it and propose solutions for it. In this case, it will be applicable and accepted by individuals and all groups of taxpayers. Despite the many efforts of governments in this field, tax evasion in Iran and in other countries of the world is still an issue that faces serious legal gaps. Knowing the extent of tax evasion and having a better understanding of its causes will help the process of finding mechanisms to prevent it or reduce its severity.

Keywords: Evasion, Hierarchical Analysis Process, real taxpayers.

JEL Classification: H26, H20, C60

1. Department of Accounting, Allameh Mohaddes Nouri University.

2. Department of Industrial Management, University of Mazandaran.

3. Department of Statistics, University of Mazandaran. (Corresponding Author). (saminkazemi62@gmail.com)

Cite this paper: Jafari, M., Hosseinpour, M., Mirani, E., & Kazemi, O. (2024). Identifying and prioritizing factors affecting the tax evasion of real taxpayers (case study: Nour City). *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 2(2), 82-101. [In Persian]

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان حقیقی (مطالعه موردی: شهرستان نور)

مریم جعفری^۱، معصومه حسین پور^۲، احسان میرانی^۳، ام کلثوم کاظمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

چکیده

هدف: هدف این پژوهش شناسایی مهم‌ترین دلایل فرار مالیاتی و ارائه رتبه‌بندی آن براساس نظر خبرگان و مدیران مالیاتی شاغل در اداره امور مالیاتی شهرهای شهرستان نور است.

روش‌شناسی: جامعه مورد مطالعه کلیه کارکنان و مدیران اداره امور مالیاتی شهرستان نور است که در سال ۱۴۰۲ انجام شد. در ابتدا، عوامل متعدد بر فرار مالیاتی با استفاده از پرسشنامه اول و نرم‌افزار SPSS مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. در ادامه، با استفاده از پرسشنامه مقایسات زوجی و نرم‌افزار Expert choice، مهم‌ترین معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر فرار مالیاتی شناسایی و سپس اولویت‌بندی گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که هیچ‌کدام از معیارهای پنج‌گانه و زیرمعیارهای آن از دیدگاه خبرگان پژوهش بی‌اهمیت نبوده و معیار قانون و مقررات در میان سایر معیارها بیشترین اثر را بر فرار مالیاتی دارد.

دانش افزایی: به‌طور قطع، یکی از راهکارهای مقابله با راه‌های فرار مالیاتی، وضع قوانین و مقرراتی است که بتواند به طور کامل هوشمندانه تمامی راه‌های نفوذ در قانون و حتی دور زدن آن را پیش‌بینی و برای آن راهکارهایی را پیشنهاد دهد. در این صورت قابل اجرا و مقبول آحاد و همه اصناف و گروه‌های مؤدیان قرار خواهد گرفت. علی‌رغم تلاش‌های بسیار دولت‌ها در این زمینه هنوز هم فرار از مالیات چه در ایران و در سایر کشورهای دنیا، موضوعی است که با خلاءهای جدی قانونی مواجه است. دانستن میزان فرار از مالیات و داشتن درک بهتر از دلایل آن به فرآیند یافتن مکانیزم‌های جلوگیری از آن یا کاهش شدت آن کمک خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: فرار مالیاتی، فرایند تحلیل سلسله مراتبی، مؤدیان حقیقی.

طبقه‌بندی موضوعی: H26, H20, C60

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری.

۲. دانش‌آموخته دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه مازندران.

۳. دانش‌آموخته دکتری آمار، دانشگاه مازندران. (نویسنده مسئول). (saminkazemi62@gmail.com)

استناد: جعفری، مریم، حسین پور، معصومه، میرانی، احسان، و کاظمی، ام کلثوم. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان حقیقی (مطالعه موردی: شهرستان نور).

حسابداری و شفافیت مالی، ۲(۲)، ۸۲-۱۰۱.

مقدمه

سالم‌ترین و کارآمدترین درآمد در کشورهای توسعه‌یافته، درآمد مالیاتی می‌باشد. مالیات دارای ریشه‌ای طولانی است که با ایجاد نخستین حکومت‌ها و کشورها همراه بوده است (زراع بهنمیری و همکاران، ۱۴۰۱). «مالیات یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی برای تامین منابع مالی دولت محسوب می‌شود» (حسینی نوریان و همکاران، ۱۳۹۸). در این کشورها در جهت رسیدن به اهداف کلان اقتصادی مانند ایجاد اشتغال، تثبیت اقتصادی و رشد آن و بهبود رفاه اجتماعی از مالیات به عنوان مهم‌ترین ابزار درآمدی استفاده می‌شود. از دیدگاه استرن (۱۹۹۳) فرار مالیاتی اثرات اقتصادی منفی بر توسعه اقتصادی و سیاست‌های مالی و اقتصادی کشورها خواهد داشت. به عبارت دیگر، آن را به عنوان یک بیماری اقتصادی در نظر می‌گیرند که تمامی جوامع از پیامدهای منفی آن متضرر خواهد شد (جوهانسون و همکاران، ۲۰۰۰). مالیات و درآمدهای ناشی از آن، علاوه بر تامین منابع مالی، توزیع ثروت را عادلانه‌تر نموده و میزان نقدینگی کشور را کنترل می‌کند (محمدباقری و جهانشاد، ۱۳۹۸). همچنین از دیگر مزیت‌های آن می‌توان ممانعت از ایجاد محدودیت در ظرفیت‌های اقتصادی و کاهش اختلالات اقتصادی و سیاستی در سطح کلان دولت‌ها را ذکر نمود (زراع بهنمیری و همکاران، ۱۴۰۱).

در ایران به دلایل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اثربخشی مالیات‌ها به ویژه در بودجه سالیانه کشور چندان مورد توجه قرار نگرفته است (زراع بهنمیری و همکاران، ۱۴۰۱) به طوری که درآمد مالیاتی همواره بعد از درآمدهای نفتی قرار دارد. در دو دهه اخیر با توجه به تحولات جامعه جهانی و تاکید بر استفاده کم‌تر از منابع نفتی و مشتقات آن در مصارف صنعتی، نظامی و همچنین عواقب منفی تکیه بر درآمدهای منابع نفتی از یک سو و از سوی دیگر ثبات درآمد مالیاتی در سال‌های اخیر، سهم مشارکت درآمد مالیاتی در بودجه کشور افزایش یافته است (نظری، ۱۳۹۶). درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین روش‌ها به منظور عدم اتکای بیشتر به درآمدهای نفتی و کاهش هزینه‌های جاری کشور و دستیابی به درآمد ثابت و پایدار را فراهم می‌سازد. فرار مالیاتی یکی از مقوله‌های منفی در جهت تحقق این مهم می‌باشد و همواره از جهت تاریخی و مذهبی با اکراه و اجبار همراه بوده است. فرار از پرداخت مالیات در کشورهای در حال توسعه مسأله‌ای مهم است که عمدتاً به علت دشواری جمع‌آوری اطلاعات در مورد درآمدها و پایین بودن سطح فرهنگ مالیاتی جامعه و انگیزه‌های اقتصادی و غیره مربوط می‌شود. با نگاهی به گزارش‌های منتشر شده از سوی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مازندران در سال‌های ۹۸ و ۹۹ نشان می‌دهد که میزان تحقق درآمدهای مالیاتی در حدود ۹۰ درصد بوده که با وجود رشد بیش از ۲۰ درصدی همچنان با مصوب درآمدهای مالیاتی دارای اختلافی در حدود ۲۰۰ میلیارد ریال است. مطابق آمارهای منتشر شده از دیوان محاسبات کشور در سال ۱۴۰۰، استان مازندران برای مشاغل پزشکی، وکلا و مشاوران خانواده بالاتر از میانگین فرار مالیاتی کشور قرار دارد. شهرستان نور به جهت موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی هر ساله پذیرای گردشگران متعددی از داخل و خارج کشور است. میزان درآمد ناشی از گردشگری با میزان درآمدهای مالیاتی در این شهرستان و سایر شهرستان‌های دارای شرایط مشابه، هم‌خوانی ندارد. از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به عدم شناسایی ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری به دلیل عدم ثبت اطلاعات آن‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط، امتنا از جابجایی پول از طرق قانونی به جهت عدم محاسبه در درآمدها

برای هزینه‌های اسکان و اقامت و ... اشاره داشت. میزان فرار از مالیات و داشتن درک بهتر از دلایل آن، به فرآیند یافتن مکانیزم‌های جلوگیری از آن یا کاهش شدت آن کمک خواهد کرد. در نتیجه، هدف این پژوهش شناسایی مهم‌ترین دلایل فرار مالیاتی و ارائه رتبه‌بندی آن براساس نظر خیرگان و مدیران مالیاتی شاغل در اداره امور مالیاتی شهرستان نور است و سوالی که در اینجا مطرح خواهد بود آن است که عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از چه وزنی برخوردار می‌باشند.

با توجه به این توضیحات، ساختار این پژوهش به این صورت تنظیم شده است: بعد از بیان مقدمه در بخش اول پیشینه و چارچوب نظری مرتبط با فرار مالیاتی، شناسایی و بررسی عوامل مؤثر با آن به همراه آثار سو آن در اقتصاد جامعه پرداخته می‌شود. در بخش دوم، به توضیح اجمالی شیوه انجام تحقیق و نرم‌افزارهای مورد استفاده پرداخته خواهد شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های پژوهش در بخش سوم این پژوهش ارائه می‌گردد. بخش چهارم این پژوهش نیز به بحث، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات کاربردی و آتی می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحقیقات جهانی نشان می‌دهد که فرار مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین مالیاتی بطور میانگین، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد است. با این وجود، هرچند رقم دقیقی در مورد میزان فرار مالیات در ایران و گروه‌هایی که تمکین نمی‌کنند، وجود ندارد. ولی کارشناسان، فرار مالیاتی را در ایران بیش از ۵۰ درصد حجم واقعی مالیات وصولی می‌دانند (برزگری خانقاه و فیض‌پور، ۱۳۹۲). در سال‌های پیشین به دلیل عدم وجود بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای دریافت اظهارنامه و آریز الکترونیکی مالیات، امکان دسترسی به داده‌های طبقه‌بندی‌شده الکترونیکی شرکت‌ها برقرار نبود. به این دلیل در دوره فوق حرکت به سمت ایجاد یک سیستم هوشمند نرم‌افزاری برای کشف فرار مالیاتی و طراحی معیار آن امری ضروری می‌نمود. در حال حاضر، با پیاده‌سازی زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مختلف در سازمان امور مالیاتی کشور امکان طراحی و ایجاد ساختارهای هوشمند مختلف در کنار سیستم‌های فوق برقرار شده است (رحیمی‌کیا و همکاران، ۱۳۹۴). با این وجود، همچنان مقوله فرار مالیاتی رایج و یکی از مباحث اساسی در پژوهش‌های اقتصادی است که ضرورت دارد ضمن بررسی عوامل مؤثر در شیوع این پدیده، با اولویت‌بندی این عوامل برای رفع آن برنامه‌ریزی شود. فرار مالیاتی آثار سویی بر اقتصاد می‌گذارد که کارایی دولت در سایر ابعاد و وظایفش را نیز به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرار مالیاتی از مفاهیم بااهمیت در اقتصاد کلان است که آن را اجتناب از پرداخت مالیات و استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی به منظور پرداخت مالیات کمتر تعریف می‌کنند (خانی و همکاران، ۲۰۱۴). در تعریفی دیگر، فرار مالیاتی به فعالیت‌های غیر قانونی و عمومی گفته می‌شود که توسط افراد یا شرکت‌ها از طریق کم‌گویی درآمدها، فروش یا دارایی و یا از طریق زیاده‌گویی کسورات و معافیت‌ها رخ می‌دهد (آلم^۱، ۲۰۰۵). اشنایدر و انستی^۲ (۲۰۰۰) فرار مالیاتی را به عنوان کاهش غیرقانونی مالیات پرداختی از طریق عدم گزارش درآمد یا اعلام نمودن نرخ‌های تفریق بالاتر تعریف می‌نمایند. فرار مالیات به معنای انجام اقدامات غیرقانونی نظیر تقلب، حساب‌سازی، عدم ارائه دفاتر و غیره به منظور عدم پرداخت مالیات می‌باشد. هر گونه تلاش غیرقانونی برای

^۱. Alm

^۲. Shneider & Enste

پرداخت نکردن مالیات، عدم ارائه اطلاعات لازم در مورد عایدات و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول فرار مالیاتی خوانده می‌شود (یگانه و رضایی، ۱۳۹۷). بنابراین، فرار مالیاتی را می‌توان به هرگونه اقدام غیرقانونی در جهت نپرداختن مالیات اطلاق نمود. پژوهشگران عوامل متعددی را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر فرار مالیاتی مطرح نمودند. به عنوان مثال صمدی و تابنده (۱۳۹۲) هنجارها و کنش‌های اجتماعی، عدالت مالیاتی، فساد ماموران مالیاتی، عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم مبادله اطلاعات کامل، سیستم نظارت و ضمانت‌های ضعیف، مشکلات مربوط به تشخیص مالیات، قوانین پیچیده، متعدد و معافیت‌های گسترده مالیاتی را به عنوان برخی از عوامل نهادی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی برشمردند. از طرف دیگر زراع بهنمیری و همکاران (۱۴۰۱) دو نوع رویکرد اقتصادی و غیراقتصادی را به عنوان مشخصه رفتارهای فرار مالیاتی مطرح نمودند. رویکرد اقتصادی به دنبال ارائه مدل‌های محض اقتصادی است و رفتار تمکین را با مفروضاتی همچون مطلوبیت و بیشینه‌سازی سود مورد انتظار بررسی می‌نماید. این رویکرد عواملی همچون میزان درآمد واقعی، نرخ مالیات، مزایای مالیاتی، حساسی مالیاتی، احتمال حسابرسی، جریمه‌ها و مجازات‌ها را از علل رفتارهای مبتنی بر فرار مالیاتی می‌داند. پژوهش محققانی نظیر آلم و همکاران (۲۰۱۹)، گوکاپ و همکاران (۲۰۱۷)، آل شیخ و همکاران (۲۰۱۶)، همتی و همکاران (۱۳۹۸) و حکیمی (۱۳۹۷) در برگیرنده این رویکرد به فرار مالیاتی است. در مقابل، رویکرد غیراقتصادی است که در این رویکرد عوامل غیراقتصادی همچون اخلاق مالیاتی، هنجارها، ادراک از انصاف و عدالت و ... علل فرار مالیاتی شناخته می‌شود. پژوهش محققانی نظیر آلم و تورگلر (۲۰۱۲)، گراو و شولتز (۱۹۹۲)، زنگنه و همکاران (۲۰۱۸)، دروگلاس و همکاران (۲۰۱۸)، مرادی و همکاران (۱۳۹۲) و بهرامی ارفعی (۱۳۹۷) به رویکردهای غیر اقتصادی فرار مالیاتی اشاره دارند.

از فناوری‌های به‌روز و بسیار پرکاربرد در زمینه تحلیل داده‌های بزرگ استفاده از هوش مصنوعی و داده‌کاوی است که در این دهه بسیار مورد توجه قرار گرفته است که رستم‌بیگی و آینه‌بند (۲۰۲۴) نیز از این فناوری در تشخیص فرار مالیاتی استفاده نمودند. در این مقاله با تقسیم داده‌ها به دو دسته‌ی آموزشی و آزمایشی و با استفاده از مدل‌های هوش مصنوعی و شبکه‌ی عصبی مصنوعی، مؤدیانی که مالیات را پرداخت می‌کردند و مؤدیانی نیز که از پرداخت مالیات فرار می‌کردند را شناسایی و طبقه‌بندی نمودند. پژوهش آن‌ها در استان تهران و طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ انجام شد. تأثیر فعالیت‌های الکترونیکی دولت بر روی فرار مالیاتی با وظیفه متعادل‌سازی فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط زمانی و همکاران (۱۴۰۳) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هدف در این مقاله، روند نزولی فرار مالیاتی با استفاده از ایجاد روند صعودی دسترسی به اطلاعات و شفافیت‌سازی است. صمدیان و همکاران (۱۴۰۳) آثار سو مستقیم و غیرمستقیم فرار مالیاتی بر سیاست‌های اقتصاد کشور را مورد بررسی قرار دادند. در این مقاله جذر واریانس سیاست‌های پولی و عدم اطمینان نرخ ارز و تورم با روش GARCH - ARCH محاسبه شد. محمدباقری و جهان‌شاد (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به شناسایی و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌پردازند. آن‌ها، پنج معیار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قوانین و مقررات و مدیریتی را دسته‌بندی و معرفی می‌نمایند. معیارهای اقتصادی یکی از عوامل مهم در مقوله فرار مالیاتی است. بدون شک میزان فرار مالیاتی در هر کشوری بسته به شرایط اقتصادی آن کشور افزایش یا کاهش می‌یابد. از جمله عوامل اقتصادی مؤثر در فراز و نشیب‌های شاخص فرار مالیاتی می‌توان به بار مالیاتی^۱ و درآمد

^۱. Tax Burden

مصرف‌کننده، اندازه دولت، نرخ تورم^۱ و بیکاری اشاره کرد (صمدی و تابنده، ۱۳۹۲). از طرفی، اقتصاد زیرزمینی و قاچاق، ضعف گردش پولی، حساسی نادرست براساس تمکین، نظام جرایم و تخلفات مالیاتی نادرست، نرخ های نامشخص برای انواع مالیات‌ها و معافیت‌های نامحدود از عوامل مؤثر در فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات است. ایجاد ثبات و نیز تفهیم فرهنگ مالیاتی درجه‌ی باور مردم در راستای تمکین مالیاتی را بالا برده و زمینه را برای کاهش فرار مالیاتی هموار می‌سازد. به بیان کلی‌تر، میزان فرار مالیاتی و مقبولیت آن در بین آحاد جامعه و هم‌سویی آن در جهت مرتفع ساختن فساد مالیاتی از جمله مؤلفه‌های معیار اجتماعی می‌باشد. در جامعه ما، عوامل فرهنگی بیشتر ریشه در تاریخ دارد که به همراه بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی همواره باعث شده است تا مالیات واقعی اظهار و وصول نگردد. همچنین تحولات سیاسی و تبعات ناشی از آن به صورت مستقیم بر مقوله‌ی تمکین مالیاتی مؤثر است. تحقیقات نشان می‌دهد که سطح بالای اعتماد عمومی مردم به دولت، مشروعیت حکومت و عادلانه بودن سیستم مالیاتی می‌تواند به عنوان عوامل مثبت تأثیرگذار در تمکین مالیاتی مؤدیان عمل نماید (صمدی و تابنده، ۱۳۹۲).

در مقابل اعتماد نداشتن مؤدیان به دولت، فساد مالی اعضای دولت، ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی از جمله عوامل تأثیرگذار در فرار مالیاتی است. قانون و مقررات نیز می‌تواند رابطه‌ی تنگاتنگی با فرار از مالیات داشته باشد. وجود راه‌های فرار در قوانین مالیاتی، آیین‌نامه‌ها و بخش‌های غیر ضروری، دستورالعمل‌های پیچیده، عدم امکان برقراری ارتباط بین مؤدی و ممیز، ناهماهنگی با سایر قوانین و سیستم حقوقی کشور از جمله عوامل ارتباط بین معیار قانون و مقررات و فرار مالیاتی است. مداخله بیش از اندازه دولت در کنترل قیمت‌ها، نقل و انتقال ارز، محدودیت‌های حقوقی برای مالکیت غیرمستقیم افراد در بازار سهام، حجم مقررات غیراصولی در حوزه صادرات و واردات از جمله عناصر شاخص کیفیت مقررات است (ایزدخواستی و همکاران، ۱۴۰۰).

معیار مدیریتی رابطه نزدیکی با پذیرش یا عدم پذیرش مالیات دارد. برخی از متغیرهای آن شامل عدالت مالیاتی، عدم آموزش اطلاعات کامل، عدم شناسایی مؤدیان، عدم وجود سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات و مستند نبودن میزان درآمد آنها است. در مطالعات زیادی میزان آموزش به عنوان علل مهم فرار مالیاتی بیان شده است. به طور خلاصه، معیارها و زیرمعیارهای برشمرده در فوق با استفاده از سنجش روایی روش آلفای کرونباخ برای رسیدن به توافق گروهی از عقاید متخصصان و خبرگان در زمینه شناسایی شاخص‌های مؤثر در جدول ۱ ارائه شده است.

مطالعات پیشین نشان می‌دهد میزان فرار مالیاتی در کشورهایی که از نظام قدیمی جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کنند، بحرانی‌تر است. یکی از نظریاتی که بر عدم تمکین مالیاتی و تبیین فرار مالیاتی است، نظریه اقتصادی جرم بیکر^۲ است. افرادی نظیر بیکر به نقش عاملان اجتماعی و رفتار آنها در تبیین فرار مالیاتی تاکید دارند. به اعتقاد بیکر، مهم‌ترین مؤلفه در فرهنگ و تمکین مالیاتی، اعتماد است. مؤدیان باید باور کنند که مالیات پرداختی آنها در جهت توسعه و رفاه اجتماعی هزینه خواهد شد. حیدرزادی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل تعیین‌کننده فرار مالیاتی در اقتصاد ایران اطلاعات در خصوص فرار مالیاتی را در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۶ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد روند شاخص فرار مالیاتی طی دوره مورد نظر ایشان افزایشی بوده است و متغیر بار مالیاتی، درجه شهرنشینی، درآمد نفتی، نرخ بیکاری و پیچیدگی مالیاتی بیشترین تأثیر را بر فرار مالیاتی داشته است.

^۱. Inflation Rate

^۲. Becker

جدول ۱. معیارهای فرار مالیاتی (شناسایی عوامل فرار مالیاتی در شهرستان نور)

ردیف	عبارات
۱	ضعف گردش پولی از علل مهم در مقوله فرار مالیاتی می‌باشد.
۲	بیکاری یکی از علل مهم در فرار مالیاتی در جامعه می‌باشد.
۳	پایین بودن در آمد مصرف کنندگان از علل مهم فرار مالیاتی می‌باشد.
۴	نتیجه نرخ بالای تورم فرار مالیاتی در جامعه می‌باشد.
۵	فاصله طبقاتی می‌تواند باعث افزایش فرار از مالیات گردد.
۶	عدم اطلاع رسانی در نحوه هزینه کردن مالیات فرار مالیاتی را افزایش می‌دهد.
۷	پایین بودن سطح فرهنگ یکی از علل مهم در فرار مالیاتی می‌باشد.
۸	عدم ثبات و امنیت اجتماعی باعث افزایش فرار مالیاتی می‌شود.
۹	فرار مالیاتی ناشی از دستورالعمل‌های پیچیده مربوط به مالیات است.
۱۰	ازدیاد راه‌های فرار از قانون فرار مالیاتی در جامعه را بالا می‌برد.
۱۱	وجود آیین‌نامه‌های غیرضروری باعث می‌شود فرار مالیاتی در افزایش یابد.
۱۲	عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مؤدی از علل مهم فرار مالیاتی می‌باشد.
۱۳	ناعدالانه بودن سیستم یکی از عوامل مهم در مورد مقوله فرار مالیاتی است.
۱۴	فساد دولت یکی از علل مهمی است که باعث فرار مالیاتی در جامعه می‌شود.
۱۵	تحولات سیاسی موجود در جامعه فرار مالیاتی را افزایش می‌دهد.
۱۶	سطح پایین اعتماد مردم به دولت منجر به فرار مالیاتی می‌گردد.
۱۷	نبود سیستم نظارت و پیگیری و عدم استفاده از تکنولوژی در دریافت مالیات از عوامل مهم در فرار مالیاتی است.
۱۸	وجود ضعف در شناسایی مؤدیان باعث فرار مالیاتی می‌باشد.
۱۹	عدم وجود جرائم و تشویقات در دریافت مالیات فرار مالیاتی در جامعه را افزایش می‌دهد.

صامتی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی تحت عنوان تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با بکارگیری روش فرا تحلیل، عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و شدت ارتباط این عوامل با فرار مالیاتی برای کشور ایران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای عوامل اقتصادی، درآمد سرانه، عوامل تکنولوژی عوامل اجتماعی، عوامل قانونی، تورم، عوامل فرهنگی، محدودیت تجاری، بار مالیاتی، بیکاری و حجم دولت مؤثر بر فرار مالیاتی بوده و بالاترین شدت تأثیرگذاری را عوامل فرهنگی و پایین‌ترین شدت تأثیرگذاری مربوط به درآمد سرانه است. بلوری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان طراحی مدل فرار مالیاتی بر پایه مالیات بر درآمد: رویکرد نظریه داده بنیاد دریافتند که عوامل اصلی پدیده فرار مالیات بر درآمد عبارتند از: عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم شفافیت اطلاعات مالی، عدم کارایی نظام مالیاتی و پیچیدگی قوانین. جیاسچینو و فیچرا^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اخلاق مالیاتی و ارزش‌های اجتماعی دریافتند که افراد در پرداخت مالیاتی به شدت تحت تأثیر اطرافیان (همتایان) خود قرار دارند و با مشاهده رفتار آنها تغییراتی در سطح اخلاق مالیاتی خود ایجاد می‌کنند. حسن‌زاده جزدانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی واکنش متغیرهای کلان اقتصادی نسبت به مالیات در اقتصاد ایران در چهارچوب مدل

^۱. Gioacchino & Fichera

تعادل عمومی پویای تصادفی» پرداخته‌اند. نتایج نشان داد سهم مالیات‌ها در اقتصاد ایران پایین بوده و اقدام دولت در تأمین منابع درآمدی بایستی به گونه‌ای باشد که فعالیت واحدهای اقتصادی با کمترین اختلال و تغییرات پیش‌بینی نشده مواجه شود. همچنین پیشنهاد گردید نرخ‌های مالیاتی فعلی تجدیدنظر گردد. پورفرد و قالیباف اصل (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «اثرات فرار و فساد مالیاتی بر سطح و نوسان سرمایه‌گذاری خصوصی و هزینه‌های عمومی به عنوان عوامل رشد اقتصادی» نشان دادند که فرار مالیاتی بخش خصوصی لزوماً به عنوان یک بار منفی محسوب نمی‌شود. ضیانتبار احمدی و کریمی پتانلار (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی» اثر مالیات بر ارزش افزوده و پدیده فرار مالیاتی را بررسی نمودند. نتایج نشان دهنده این بود که با گسترش مالیات بر ارزش افزوده، پدیده فرار مالیاتی نیز کاهش می‌یابد. ارزش افزوده بخش کشاورزی بر فرار مالیاتی اثر مثبت داشته است. در صورتی که اثر نرخ تورم و حاکمیت قانون منفی هستند. در پژوهش رضاقلی زاده و همکاران (۱۳۹۸) با موضوع «تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه- علل چندگانه MIMIC» بیان داشتند که روند فرار مالیاتی در ایران طی سال‌های مورد بررسی به رغم نوسانات عمده، در مجموع افزایشی بوده است، به گونه‌ای که از ۶/۱۲ درصد GDP رسمی در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۳۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین نتایج بیانگر این است که متغیرهای تورم، بار مالیاتی، درآمد سرانه و نرخ ارز رسمی اثر مثبت و معنادار بر فرار مالیاتی را دارا بوده و متغیرهای شاخص باز بودن اقتصادی، اندازه دولت و نرخ بیکاری دارای اثر منفی بر فرار مالیاتی داشت. بر این اساس، بیشترین تأثیر را بر فرار مالیاتی درآمد سرانه داشته و از طرفی دیگر بیشترین اثر فرار مالیاتی بر رشد تقاضای پول است. چمن و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر توسعه مالی بر فرار مالیاتی در ایران»، الگویی را برای شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ایران با تأکید بر توسعه مالی ارائه دادند. آن‌ها دریافتند که رابطه بلندمدتی میان فرار مالیاتی با متغیرهای توسعه مالی، نرخ باسواد، اندازه دولت و سهم ارزش افزوده بخش صنعت از GDP وجود دارد. همچنین توسعه مالی، تأثیر منفی و معناداری (در کوتاه مدت و بلندمدت) بر فرار مالیاتی دارد؛ و نرخ باسواد و سهم ارزش افزوده بخش صنعت از GDP و اندازه دولت اثر منفی و معناداری بر فرار مالیاتی دارند. در ضمن متغیرهای درآمد سرانه و پیچیدگی مالیاتی دارای تأثیر معناداری بر فرار مالیاتی نبودند. آرجا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرار مالیاتی در کشور اندونزی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد چهار دسته عوامل سنتی، فرهنگ و عوامل شخصیتی، عوامل سازمانی و عوامل مربوط به اخلاق مالیاتی بر فرار مالیاتی تأثیرگذار بوده ولی دانش مالیاتی نقش تعدیل‌کنندگی در روابط بین آنها نداشته است. زنگانه و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از رویکرد دیماتل فازی در میان مؤدیان استان گلستان در بخش کسبه‌های لوازم خانگی پرداختند. یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که از میان ۱۰ مؤلفه تأثیرگذار، عدم اشراف قانون‌گذار، دخالت نهادهای غیرمسئول و وجود معافیت‌های وسیع بیشترین تأثیر را در میان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان گلستان دارند. یافته‌های سبولا و بیجی^۲ (۲۰۱۰) نشان داد که فرار مالیاتی می‌تواند تحت تأثیر زیرمعیارهای معیار اقتصادی (نرخ بیکاری و درآمد افراد جامعه) و معیار سیاسی (سطح پایین اعتماد مردم به دولت) باشد. باربوتا^۳

^۱. Arja

^۲. Cebula & Feige

^۳. Barbuta

(۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مؤثر بر پذیرش یا فرار مالیاتی پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که عوامل اجتماعی به عنوان یک معیار غیراقتصادی بیشترین وزن و تاثیر را بر فرار مالیاتی دارد. در پژوهش‌های انجام شده توسط ریچاردسون^۱ (۲۰۰۶) و امین خاکی (۱۳۹۰)، زیر معیار پیچیدگی دستورالعمل‌ها از معیار قانون و مقررات، به عنوان عامل مؤثر با بیشترین تاثیر بر فرار مالیاتی تعیین شد. پژوهش سوکرام و واتسون^۲ (۲۰۰۵) نیز در مورد فرار مالیاتی، عوامل اقتصادی را مطرح کرد. آن‌ها در بررسی علل شکل‌گیری فرار مالیاتی جامعه مورد نظرشان، به این نتیجه رسیدند که عوامل تورم و بیکاری به عنوان زیرمعیارهای معیار اقتصادی با فرار مالیاتی رابطه‌ای مستقیم دارد. با جمع‌بندی و بررسی مطالعات پیشین و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌توان عوامل متعددی از قبیل عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قانونی را به عنوان مجموعه عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی اشاره داشت. از آنجائیکه تمامی این عوامل در جدول یک و در پژوهش محمدباقری و جهان‌شاد (۱۳۹۸) آمده است. از این‌رو نتایج حاصل از این پژوهش به عنوان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. با توجه به این توضیحات، نمایی کلی از مدل تحقیق یعنی هدف، معیارها و زیرمعیارها در جدول ۲ تحت عنوان معیارهای فرار مالیاتی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice آورده شده است.

جدول ۲. معیارهای فرار مالیاتی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice

ضعف گردش پولی	معیار	معیارهای فرار مالیاتی
بیکاری	اقتصادی	
پایین بودن درآمد مصرف‌کنندگان		
نرخ بالای تورم		
فاصله طبقاتی		
عدم اطلاع‌رسانی در نحوه‌ی هزینه کردن مالیات	معیار	معیارهای فرار مالیاتی
پایین بودن سطح فرهنگ	اجتماعی	
عدم ثبات و امنیت اجتماعی		
دستورالعمل‌های پیچیده		
ازدیاد راه فرار از قانون (فرار مالیاتی)	معیار قوانین	معیارهای فرار مالیاتی
آیین‌نامه‌های غیر ضروری		
عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مودی		
ناعادلانه بودن سیستم		
فساد دولت	معیار سیاسی	معیارهای فرار مالیاتی
تحولات سیاسی		
سطح پایین اعتماد مردم به دولت		
نظارت و پیگیری و عدم استفاده از تکنولوژی در دریافت مالیات	معیار	معیارهای فرار مالیاتی
عدم وجود جرایم و تشویقات در دریافت مالیات	مدیریتی	
ضعف در شناسایی مؤدیان		

¹. Richardson

². Sookram & Watson

سؤال پژوهش

عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه کارمندان اداره امور مالیاتی شهرستان نور چطور اولویت‌بندی می‌شوند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع توصیفی است، زیرا به شناسایی و تشخیص عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌پردازد. این پژوهش در حوزه جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی اولویت‌ها ۳ گام را شامل می‌شود. در گام نخست، مبانی نظری پژوهش از طریق روش مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از نظرات مدیران و کارشناسان حوزه مالیاتی تدوین شده است. در گام دوم، عوامل مؤثر که در مطالعه‌های مختلف در حوزه مرتبط با مالیات و فرار مالیاتی وجود داشت، شناسایی، استخراج و با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت. در نهایت نیز با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی معیارها و سپس زیرمعیارهای مهم به ترتیب اولویت‌بندی مشخص شد.

جامعه آماری مورد نظر ۴۰ نفر از کارمندان اداره مالیاتی شهرستان نور، چمستان و اساتید و متخصصان در این حوزه را تشکیل می‌دهند. به منظور شناسایی دقیق و نهایی معیارها و زیرمعیارهای استخراج شده از مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات داخلی و خارجی پرسشنامه تأیید عوامل در قالب جدول ۲ تنظیم و در اختیار جامعه آماری قرار گرفت که در نهایت پرسشنامه‌هایی که تعداد ۲۸ مدیر، کارشناس و حسابرس در اداره مالیاتی را شامل می‌شد، مورد بررسی قرار گرفت. در حالت کلی، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه تأیید عوامل و مقایسات زوجی استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل پرسشنامه تأیید عوامل از نرم‌افزار SPSS و برای پرسشنامه مقایسات زوجی از نرم‌افزار Expert choice استفاده گردید. پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار مدیران و کارشناسانی که تمایل به ادامه همکاری داشتند و مشتمل بر تعداد ۲۸ نفر از کارمندان اداره امور مالیاتی در شهرستان نور است، قرار گرفت. جدول ۳ مشخصات این نمونه آماری را به تفصیل نشان می‌دهد.

جدول ۳. مشخصات پاسخ‌دهندگان

ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان	پرسشنامه تأیید عوامل	پرسشنامه مقایسات زوجی
حسابرس	۲۴	۱۵
سمت مدیر	۲	۱
کارشناس	۲	۲
بیش از ۱۵	۱۵	۸
سابقه ۱۰-۱۵	۷	۳
۶-۱۰ (سال)	۴	۷
۱-۵	۲	۰
دکتری	۴	۴
کارشناسی ارشد	۶	۱۲
کارشناسی	۱۸	۲
مرد	۲۴	۱۴
جنسیت زن	۴	۴

معرفی پرسشنامه مقایسات زوجی

پرسشنامه AHP یک ابزار استاندارد است که برای تعیین وزن معیارها و گزینه‌ها براساس مقایسه زوجی استفاده می‌شود. در این پرسشنامه، خبرگان با طیف ساعتی ۱ تا ۹ درجه، مؤلفه‌های تصمیم‌گیری را با یکدیگر و دو به دو مقایسه می‌کنند. اگر دو مؤلفه اهمیتی برابر داشته باشند عدد ۱ به آن‌ها نسبت داده می‌شود. در مقایسه زوجی قانونی وجود دارد که شرط معکوس می‌نامند. به عنوان مثال، اگر ترجیح عنصر اول به عنصر دوم برابر ۵ باشد ترجیح عنصر دوم به عنصر اول برابر $\frac{1}{5}$ خواهد بود. همچنین عدد ۵ به این معناست که مؤلفه اول از مؤلفه دوم مهم‌تر است.

روایی و پایایی پژوهش

به منظور سنجش روایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد تا برای رسیدن به مطمئن‌ترین توافق گروهی از عقاید متخصصان و خبرگان در زمینه شناسایی شاخص‌های مؤثر، استفاده شود. در پژوهش حاضر، به منظور سنجش روایی پرسشنامه تأیید عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی که با مرجع قرار دادن مدل مفهومی محمدباقری و جهانشاد (۱۳۹۸) تدوین گردید، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد تا بررسی گردد که آیا توافق گروهی میان نظرات و عقاید متخصصان و خبرگان در خصوص عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی وجود دارد یا خیر؟ نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد هیچ عامل مؤثر بر فرار مالیاتی از نظر پاسخ‌دهندگان کم اهمیت شناسایی نگردید. از این رو هیچ عاملی حذف نگردید و پایایی کل پرسشنامه اول از طریق آلفای کرونباخ با ۱۹ سوال پرسشنامه برابر با ۰/۹۲۰ به دست آمد که نشان‌دهنده در یک راستا بودن پاسخ‌های مخاطبان و در نتیجه قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه اول است. با توجه به ضریب آلفای بدست آمده، توافق گروهی پاسخ‌دهنده‌ها به شاخص‌های هر معیار، مثبت ارزیابی می‌شود. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ با حذف یک سوال در هر معیار، با استفاده از نرم‌افزار SPSS اجرا و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفت. مشاهده گردید به عنوان مثال در معیار اقتصادی با حذف سوال سوم، ضریب آلفا ۰/۵۲۲ بدست می‌آید. یعنی، حذف این سوال نه تنها ضریب آلفا را بهبود نمی‌بخشد بلکه حتی موجب کاهش در مقدار ضریب آلفا می‌شود. بنابراین در حالت کلی نتیجه پنج معیار مورد بررسی از سازگاری درونی مناسبی برخوردار هستند. در جدول ۴ شاخص پایایی، به طور مجزا برای هر معیار با سوالات مربوط به شاخص‌های متناظر آن بیان شده است.

جدول ۴. عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و پایایی مربوط به آن‌ها

معیارها	ضریب آلفای کرونباخ
معیار اقتصادی	۰/۷۰۳
معیار اجتماعی	۰/۷۵۴
معیار قانون و مقررات	۰/۷۴۸
معیار سیاسی	۰/۸۴۷
معیار مدیریتی	۰/۸۷۲

یافته‌های پژوهش

همانگونه که در بخش سوم نیز اشاره شد، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه مقایسات زوجی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی از نرم‌افزار Expert choice استفاده گردید. فرایند سلسله مراتبی^۱ یکی از بهترین روش‌های تصمیم‌گیری برای یافتن تاثیرگذارترین شاخص‌ها در صورت وجود چندین معیار و زیرمعیار به‌شمار می‌آید که محقق با تهیه درخت سلسله مراتبی تصمیم، اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید. در این پژوهش، در سطح اول، معیارها (اقتصادی، اجتماعی، قانون و مقررات، سیاسی و مدیریتی) و در سطح دوم زیرمعیارهای مرتبط با هر معیار که شاخص‌های متفاوتی می‌باشند، قرار می‌گیرد. نرخ ناسازگاری کمیتی است که میزان اعتبار هر معیار و تصمیم را می‌سنجد که مقدار این کمیت باید کمتر از ۰/۱ باشد. در ابتدا مدل به صورت ساختار یک در نرم‌افزار شبیه‌سازی شد و بر مبنای دیدگاه خبرگان مالیاتی، مقایسات زوجی بر مبنای طیف ساعتی نه‌گانه (۱= ترجیح کاملاً برابر و ... ۹= بی نهایت ارجح) وارد نرم‌افزار گردید. در این ساختار علاوه بر مشاهده معیارها و زیر معیارها، سهم اثرگذاری هر زیرمعیار با توجه به ترکیب نهایی پاسخ پرسشنامه‌های زوجی توسط خبرگان نیز ذکر شده است. همان‌طور که بیان شد، استفاده از این معیارها و زیرمعیارها بر مبنای پرسشنامه اول و استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. نتایج خروجی نرم‌افزار Expert choice به تفکیک معیارها و زیرمعیارها به شرح جدول ۵ می‌باشد.

جدول ۵. نتایج حاصل از خروجی‌های نرم‌افزار Expert choice و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

معیار	زیرمعیارها	نرخ ناسازگاری	سهم هر زیرمعیار در معیار	اولویت در هر معیار	سهم کلی زیرمعیار نهایی	اولویت نهایی
اقتصادی (۰/۱۷۱)	ضعف گردش پولی	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	۱	۰/۰۱۸	۱۹
	بیکاری		۰/۲۲۵	۳	۰/۰۴۵	۱۲
	پایین بودن درآمد مصرف کنندگان		۰/۲۲۳	۴	۰/۰۴۵	۱۳
	نرخ بالای تورم		۰/۴۶۴	۲	۰/۰۹۳	۱
قانون و مقررات (۰/۲۷۸)	دستورالعمل‌های پیچیده	۰/۰۰۰	۰/۱۴۹	۴	۰/۰۳	۱۷
	ازدیاد راه فرار از قانون (فرار مالیاتی)		۰/۴۲۶	۱	۰/۰۸۵	۲
	آیین‌نامه‌های غیرضروری		۰/۲۴۲	۲	۰/۰۴۸	۱۰
	عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مؤدی		۰/۱۸۴	۳	۰/۰۳۷	۱۵
اجتماعی (۰/۲۴۸)	فاصله طبقاتی	۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	۳	۰/۰۴۵	۱۱
	عدم اطلاع‌رسانی در نحوه هزینه کردن مالیات		۰/۱۸۹	۴	۰/۰۳۸	۱۴
	پایین بودن سطح فرهنگ		۰/۳۰۰	۱	۰/۰۶۰	۸
	عدم ثبات و امنیت اجتماعی		۰/۲۸۵	۲	۰/۰۵۷	۹
سیاسی (۰/۱۴۲)	ناعدالانه بودن سیستم	۰/۰۱۰	۰/۱۶۳	۳	۰/۰۳۳	۱۶
	فساد دولت		۰/۳۴۴	۲	۰/۰۶۹	۵
	تحولات سیاسی		۰/۰۹۷	۴	۰/۰۱۹	۱۸
	سطح پایین اعتماد مردم به دولت		۰/۳۹۶	۱	۰/۰۷۹	۳
مدیریتی (۰/۱۶۱)	نبود سیستم نظارت و پیگیری و عدم استفاده از تکنولوژی در دریافت مالیات	۰/۰۰۰	۰/۳۷۱	۱	۰/۰۷۴	۴
	عدم وجود جرایم و تشویقات در دریافت مالیات		۰/۳۰۶	۳	۰/۰۶۱	۷
	ضعف در شناسایی مؤدیان		۰/۳۲۴	۲	۰/۰۶۵	۶

^۱. Analytical Hierarchy process

مطابق با جدول ۴ تاثیر نرخ بالای تورم ۰/۴۶۴ است و اولویت‌های بعدی به ترتیب متعلق به نرخ بیکاری ۰/۲۲۵، پایین بودن درآمد مصرف کنندگان ۰/۲۲۳ و ضعف گردش پولی ۰/۰۸۸ می‌باشد. به گفته برخی کارشناسان، فرار مالیاتی عمدتاً توسط پردرآمدها یعنی مؤدیانی که درآمد بالایی دارند، با سندسازی و ارائه آمار غلط صورت می‌گیرد. این بیان دقیقاً مطابق با نتایج بدست آمده در این پژوهش است. یعنی افرادی که درآمد پایین‌تری دارند، از لحاظ شاخص‌های فرار مالیاتی از اهمیت کمتری برخوردار هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، افرادی که درآمد مصرف کمتری دارند، در این رتبه‌بندی با تفاوت ناچیز از زیرمعیار بیکاری قرار گرفته است. این بیان می‌کند که در حال حاضر وضعیت اقتصادی جامعه، نرخ بالای تورم، عامل اثرگذارتری در فرار مالیاتی است. در معیار اجتماعی، چهار زیرمعیار وجود دارد که به ترتیب پایین بودن سطح فرهنگ با ضریب ۰/۳۰۰ در مکان نخست، عدم ثبات و امنیت اجتماعی با ضریب ۰/۲۸۵ در مکان دوم، فاصله طبقاتی با ضریب ۰/۲۲۷ در مکان سوم و در نهایت عدم اطلاع‌رسانی در نحوه هزینه کردن مالیات با ضریب ۰/۱۸۹ در جایگاه چهارم قرار می‌گیرند. همچنین، براساس نتایج مقایسات زوجی، نرخ ناسازگاری برابر ۰/۰۷۴ بدست آمده است که نشان از سازگاری مطلوب پاسخ‌ها است. بنابراین با توجه به این پژوهش و نتایج بدست آمده، عدم اقدامات لازم، درست و کافی در جهت افزایش سطح فرهنگی جامعه در درجه اول و با اختلاف ناچیز، نبود ثبات و امنیت اجتماعی موجب کاهش تمایل افراد جامعه به پرداخت مالیات و در نتیجه فرار مالیاتی می‌شود. پس، به عنوان قسمتی از مشکلات اجتماعی برای اخذ مالیات عادلانه لازم است اصلاحات ساختاری و فرهنگی درست صورت گیرد. در اولویت‌بندی زیرمعیارهای قانون و مقررات، ازدیاد راه فرار از قانون با ضریب ۰/۴۲۶ در جایگاه اول و شاخص‌های آیین‌نامه‌های غیرضروری، عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مؤدی و دستورالعمل‌های پیچیده به ترتیب با ضرایب ۰/۲۴۲، ۰/۱۸۴ و ۰/۱۴۹ در جایگاه‌های دوم تا سوم قرار گرفتند. در زیرمعیارهای مربوط به معیار سیاسی، بالاترین اولویت متعلق به شاخص سطح پایین اعتماد مردم به دولت با ضریب ۰/۳۹۶ است و اولویت‌های بعدی به ترتیب متعلق به فساد دولت با ضریب تأثیر ۰/۳۴۴ نا عادلانه بودن سیستم ۰/۱۶۳ و تحولات سیاسی ۰/۰۹۷ می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین شاخص اثرگذار در معیار سیاسی بر فرار مالیاتی در کشور و در زمان حاضر مربوط به اثربخشی و عملکرد دولت است. بنابراین، با توجه به اختلاف جزئی شاخص‌های اول و دوم معیار سیاسی در این پژوهش می‌توان اینگونه بیان کرد که عدم بهبود در کیفیت حکمرانی و کنترل فساد دولتی منجر به سطح پایین اعتماد مردمی به دولت، افزایش فرار مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی و در نتیجه تضعیف عملکرد اقتصادی خواهد شد. همچنین یکی از اقدامات در جهت عادلانه کردن سیستم، قطع یا در حد امکان کاهش ارتباط بازنشستگان مالیاتی با ادارات مالیاتی است چرا که شناخت و ارتباط ممیز کل بازنشسته به عنوان وکیل مؤدی با ممیز فعلی، می‌تواند موجب بی‌عدالت در صدور رای شود.

معیار مدیریتی نیز شامل سه زیرمعیار است که به ترتیب نبود سیستم نظارت و پیگیری و عدم استفاده از فناوری در دریافت مالیات با ضریب ۰/۳۷۱ در مکان نخست، ضعف در شناسایی مؤدیان با ضریب ۰/۳۲۴ در مکان دوم و عدم وجود جرایم و تشویقات در دریافت مالیات با ضریب ۰/۳۰۶ در مکان سوم قرار می‌گیرد. از نتایج بدست آمده می‌توان اینطور برداشت نمود که با اعمال اصلاحات ساختاری و شفاف‌سازی، کلیه رسیدگی‌ها در قالب سیستم‌های تخصصی موجود به‌طور دقیق انجام شود و در صورت شناسایی متخلف با آن شخص - چه حقیقی چه حقوقی -

برخوردهای لازم و بازدارنده انجام شود. همچنین، سازمان امور مالیاتی باید سیستم خوداظهاری را مورد توجه قرار دهد.

به منظور شناسایی اینکه کدام معیارها مهم‌تر و با اهمیت‌تر هستند، مقایسات زوجی میان پنج معیار اقتصادی، اجتماعی، قانون و مقررات، مدیریتی و سیاسی نیز توسط خبرگان و کارشناسان صورت پذیرفت. براساس نتایج بدست آمده از خروجی‌های نرم افزار، بالاترین درجه اهمیت به معیار قانون و مقررات با ضریب ۰/۲۷۴ باز می‌گردد. معیار اجتماعی با ضریب ۰/۲۴۸ در اولویت دوم قرار دارد. اولویت‌های بعدی به ترتیب به معیار اقتصادی با ضریب ۰/۱۷۱، معیار مدیریتی با ضریب ۰/۱۶۱ و معیار سیاسی با ضریب ۰/۱۴۲ اختصاص می‌یابد. قابل ذکر است، مقدار ضریب ناسازگاری برابر با ۰/۰۴۰ است که با توجه به مقدار ناچیز این کمیت، می‌توان سازگاری جواب‌ها را بسیار مطلوب تخمین زد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با مطالعه و مرور ادبیات حوزه‌های مرتبط با فرار مالیاتی و مرجع قرار دادن عوامل شناسایی شده توسط محمدباقری و جهانشاد (۱۳۹۸)، ابتدا به بررسی عوامل فرار مالیاتی از دیدگاه خبرگان و مدیران و کارشناسان امور مالیاتی شهرستان نور که شامل چهار شهر نور، چمستان، رویان و ایزدشهر می‌باشد، پرداخت. پس از تأیید تمامی عوامل فرار مالیاتی، به مقایسات زوجی و اولویت‌بندی میان آن‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که در هر پنج معیار اقتصادی، اجتماعی، قانون و مقررات، مدیریتی و سیاسی چه زیرمعیارهایی در اولویت قرار دارند و در مجموع چه معیاری از نظر رتبه می‌تواند مهم‌ترین عامل فرار مالیاتی محسوب گردد. علاوه بر صدماتی که پدیده منفی فرار مالیاتی بر روی درآمدهای دولت‌ها خواهد داشت به پیامدهای منفی دیگر در جامعه نیز می‌تواند منجر گردد. همچنین، دولت‌ها برای انجام امور مختلف خود نظیر حفظ امنیت و امور دفاعی، ایجاد بسترها و زیرساخت‌های لازم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیازمند درآمد می‌باشند. مالیات یکی از منابع اصلی درآمد دولت‌ها محسوب می‌شود به طوری که یکی از اولویت‌های دولت‌ها برای جلوگیری از فرار مالیاتی می‌تواند مجاب کردن مردم به پرداخت مالیات باشد. مهم‌ترین هدف دریافت مالیات، کسب منابع لازم برای مخارج دولت و نیز ابزای جهت کنترل و قانونمند کردن الگوی مصرف، توزیع و درآمد در سیستم اقتصادی است. بنابراین مالیات از ابعاد گوناگون بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد.

در این پژوهش معیار قانون و مقررات که شامل زیرمعیارهای دستورالعمل‌های پیچیده، ازدیاد راه فرار از قانون، آیین‌نامه‌های غیرضروری و عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مؤدی می‌باشد، در سطر اول عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی شناخته شده است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره گردید، فرار مالیاتی هرگونه تلاش غیرقانونی برای عدم پرداخت مالیات است. فرار مالیاتی می‌تواند به روش‌های گوناگونی صورت بگیرد، اما در همه این روش‌ها فرد تلاش می‌کند که مالیات خود را کامل پرداخت نکرده یا اینکه آن را به صورت ناقص پرداخت کند. قابل ذکر است که ازدیاد راه فرار به عنوان مهم‌ترین شاخص معیار قانون و مقررات معرفی شده است. به طور قطع، یکی از راهکارهای مقابله با راه‌های فرار مالیاتی، وضع قوانین و مقرراتی است که بتواند به طور کاملاً هوشمندانه تمامی راه‌های نفوذ در قانون و حتی دور زدن آن را پیش‌بینی و برای آن راهکارهایی را پیشنهاد دهد. قابلیت اجرا و مقبول آحاد و همه اصناف و گروه‌های مؤدیان قرار گیرد. علی‌رغم تلاش‌های بسیار دولت‌ها در این زمینه هنوز هم فرار از مالیات چه در ایران و در سایر کشورهای دنیا، موضوعی است که با خلاهای جدی قانونی مواجه است. با توجه به نتایج پژوهش، دومین معیار با اهمیت معیار

اجتماعی است. معیار اجتماعی، چهار زیرمعیار وجود دارد که به ترتیب پایین بودن سطح فرهنگ، عدم ثبات و امنیت اجتماعی، فاصله طبقاتی و در نهایت عدم اطلاع‌رسانی در نحوه هزینه کردن مالیات‌داران اولویت در تشخیص علل فرار مالیاتی قرار می‌گیرند. آموزش و آگاه‌سازی جامعه هم قادر است سطح فرهنگ را ارتقا دهد و هم می‌تواند به نوعی نحوه مصارف درآمدهای مالیاتی را شفاف سازد. ساخت برنامه‌های متنوع و نمایش آن در رسانه‌های اطلاع‌رسانی جمعی از جمله صدا و سیما و نصب پلاکارد و غیره، افزایش دهد تا تمکین مالیاتی ارتقا یابد. برقراری سیستم‌های عدالت محور و مبارزه با تبعیض در جامعه که خود از آرمان‌های برقراری حکومت اسلامی است نیز می‌تواند گره‌گشا باشد. برای معیار سیاسی نیز که دارای چهار زیرمعیار است، بایستی در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها دولت به گونه‌ای رفتار کند که خود را جدا از جامعه نداند و در نتیجه این همراهی می‌تواند پذیرش تصمیمات و سیاست‌ها و اعتماد به اقدامات و تصمیمات دولت شکل گرفته و تا حدودی نیز عادلانه بودن سیستم‌های وابسته به دولتی را در اذهان تصویرسازی می‌نماید. معیار اقتصادی نیز نقش بسزایی در فرار مالیاتی دارد. نرخ بالای تورم و بیکاری که خود ماحصل سیاست‌ها و عملکرد سیستم‌های ناکارآمد و بیمار اقتصادی دولت‌هاست زمینه لازم برای فرار مالیاتی را فراهم می‌آورد. تورم بالا و نرخ بیکاری سبب عدم ثبات و امنیت اقتصادی مشاغل می‌گردد و گردش پول کاذبی را بدون پشتوانه تولیدی و اقتصادی ایجاد می‌کند و شناسایی مبالغ مالیاتی مشاغل گوناگون را برای سیستم‌های اقتصادی دشوار می‌سازد. همین امر سبب نارضایتی مؤدیان در پرداخت مالیات را منجر می‌گردد.

افزون بر پیشنهادات فوق‌الذکر، شناسایی دقیق راه‌های فرار از مالیات و یافتن راهکارهای مناسب در درجه اول و کاهش یا حذف آیین‌نامه‌های غیرضروری به منظور کاهش فرار مالیاتی به سازمان پیشنهاد می‌شود. همچنین از نتایج بدست آمده برداشت می‌شود که باید رسیدگی‌های سنتی کنار گذاشته شود و رابطه مستقیم ممیز با مؤدی تا حد ممکن از سیستم حذف شود. در ایران به دلیل الگوی سنتی اخذ مالیات، شاهد فرار و اجتناب گسترده‌ای در حوزه مالیات خواهیم بود به گونه‌ای که بسیاری از فعالان اقتصادی با وجود دارا بودن درآمدهای کلان، فاقد پرونده‌های مالیاتی هستند. از جمله قوانینی که برای برخورد با فرار مالیاتی در ایران وجود دارد، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵، قوانین جدیدالتصویب که موضوع فرار مالیاتی در آنها به عنوان جرم مورد توجه قرار گرفته است مانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون ارتقای سلامت اداری و قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان اشاره داشت. قطعا، صرف تعیین قانون و مقررات ابزار لازم جهت ممانعت از فرار مالیات را تضمین نمی‌کند بلکه اجرای قاطعانه و بدون تمایز قرار دادن مؤدیان نسبت به هم و همچنین نظارت و رسیدگی به خود ممیز در اجرای این قوانین، می‌تواند تأثیر مثبت بر کاهش فرار مالیاتی داشته باشد.

با مقایسه نتایج بدست آمده این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده، مشابهت‌ها یا مغایرت‌هایی نیز دیده می‌شود. به طور مثال در مقاله‌های ریچاردسون (۲۰۰۶) و امین‌خاکی (۱۳۹۰) زیر معیار پیچیدگی دستورالعمل‌ها از معیار قانون و مقررات، به عنوان عامل مؤثر با بیشترین تأثیر بر فرار مالیاتی تعیین شد. همچنین برخی پژوهش‌ها نشان داد که فرار مالیاتی می‌تواند تحت تأثیر زیرمعیارهای معیار اقتصادی و معیار سیاسی باشد (سبولا و بیجی، ۲۰۱۰). اما در نتایج بدست آمده از الگوی ما، معیارهای اقتصادی و سیاسی به ترتیب در رده‌های سوم و پنجم اولویت‌بندی معیارهای مؤثر بر فرار مالیاتی قرار دارند. سوکرام و واتسون (۲۰۰۵) نیز عوامل اقتصادی را به عنوان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مطرح

کردند. نتایج پژوهش باربوتا (۲۰۰۸) نشان داد که عوامل اجتماعی به عنوان یک معیار غیراقتصادی بیشترین وزن و تأثیر را بر فرار مالیاتی دارد. اما نکته جالب در این پژوهش این است که معیار اجتماعی از نظر اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اجتناب از پرداخت مالیات مردم این منطقه در رده دوم قرار گرفته است. بنابراین لازم است مسئولان این شهرستان بیش از پیش در جهت بالا بردن زیرمعیارهای مورد بررسی این عامل دقت نظر داشته و کوشا باشند. همچنین، نتایج این پژوهش از نظر اهمیت عوامل شناسایی شده و اولویت‌بندی عوامل با نتایج بدست آمده از پژوهش زراع بهنمیری و همکاران (۱۴۰۱) در یک راستا است. یعنی طبق پژوهش آن‌ها نیز زیرمعیارهای ازدیاد راه فرار از قانون، آیین‌نامه‌های غیرضروری و عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مؤدی، دستورالعمل‌های پیچیده از معیار قانون و مقررات به ترتیب از عوامل تأثیرگذار شناخته شدند.

بنابراین با برشمردن این تفاوت‌ها و شباهت‌های نتایج بدست آمده با مجموعه پژوهش‌های دیگر، از یک سو می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت نگاه ویژه مسئولان به سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده نسبت به مناطق مختلف کشور باشد و از سوی دیگر لزوم به‌کارگیری راهکارهای متفاوت و نه یکسان با توجه به این تفاوت‌ها و ظرفیت‌های ویژه، در جهت بهبود عملکرد دولت‌ها و تامین قسمتی از نیاز مالی از طریق مالیات را نشان می‌دهد.

برای کاهش فرار مالیاتی به سازمان پیشنهاد می‌شود تا به تغییراتی در روند اجرایی شدن قانون، شناسایی و جلوگیری از راه‌های فرار از قانون با اجرای آیین‌نامه‌های ضروری و همچنین برقراری ارتباط درست و صحیح بین ممیز و مؤدی در جهت برطرف کردن موانع به منظور انجام درست ملاحظات قانونی برآید. همچنین به منظور بهره‌برداری محققانی که در آینده در این حوزه فعالیت خواهند داشت، پیشنهاد می‌گردد الگویی را جهت برآورد اندازه فرار مالیاتی با حضور متغیرهای در هر کدام از معیارهای پنج‌گانه، مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، درآمد سرانه خانوار و پیچیدگی قوانین و مقررات و غیره برآورد نمایند. همچنین بررسی تأثیر معیارهای پنج‌گانه مؤثر در فرار مالیاتی به ویژه معیار قانون و مقررات که از منظر نتایج این پژوهش مهم‌ترین معیار است، بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای مختلف با بهره‌گیری از اقتصادسنجی پیشنهاد می‌گردد. در پژوهش حاضر سعی گردید با بررسی و مرور ادبیات حوزه فرار مالیاتی مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی گردد اما آیا معیار یا دسته‌بندی دیگری در خصوص فرار مالیاتی وجود نخواهد داشت؟ در انتهای این پژوهش جهت تحقیقات آتی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ۱- برآورد الگوی برگزیده جهت برآورد اندازه فرار مالیاتی با حضور متغیرهای در هر کدام از معیارهای پنج‌گانه، مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، درآمد سرانه خانوار و پیچیدگی قوانین و مقررات و غیره.
- ۲- بررسی تأثیر شاخص‌های قانون و مقررات بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای مختلف با بهره‌گیری از اقتصادسنجی.

فهرست منابع

امین‌خاکی، علی‌رضا. (۱۳۹۰). برآورد فرار مالیاتی و عوامل تعیین‌کننده آن در اقتصاد ایران. پایان‌نامه دکتری. دانشکده علوم اقتصادی و اداری. دانشگاه مازندران.

- ایزدخواستی، حجت و دادگر، یداله و بیگی، پوریا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر همزمان کیفیت نهادی و فرار مالیاتی بر عملکرد نظام مالیاتی کشورهای منتخب منا. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۱۸(۴)، ۱۲۵-۱۵۸. doi: 10.22055/jqe.2021.31807.2181
- برزگری خانقاه، جمال و محمدعلی فیض پور. (۱۳۹۲). حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. *پژوه حسابداری. حسابداری و منافع اجتماعی*، ۳(۱)، ۱۴۲-۱۲۳. doi: 10.22051/ijar.2013.424
- بلوری، امین، و مرادی، محمد، و یزدانی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). طراحی مدل فرار مالیاتی بر پایه مالیات بر درآمد: رویکرد نظریه داده بنیاد. *حسابداری دولتی*، ۷(۱)، ۳۰-۹. doi: 10.30473/gaa.2021.56473.1435
- پورفرد، شهرز، و قالیباف اصل، حسن. (۱۳۹۹). اثرات فرار و فساد مالیاتی بر سطح و نوسان سرمایه گذاری خصوصی و هزینه های عمومی به عنوان عوامل رشد اقتصادی. *توسعه و سرمایه*، ۵(۱)، ۲۲-۱. doi: 10.22103/jdc.2020.13521.1066
- جعفری صمیمی، احمد، و حمزه ای، علی اکبر. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران. *پژوهش ها و سیاست های اقتصادی*، ۱۳(۳۴)، ۲۰-۳.
- چمن، طیبه، مهاجری، پریسا، و عرب مازازیدی، علی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر توسعه مالی بر فرار مالیاتی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۹(۷۲)، ۱۰۵-۱۳۹. doi: 10.22054/joer.2019.10156
- حسن زاده جزدانی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی واکنش متغیرهای کلان اقتصادی نسبت به مالیات در اقتصاد ایران در چارچوب مدل تعادل عمومی پویای تصادفی. *توسعه و سرمایه*، ۵(۲)، ۱۰۴-۸۵. doi: 10.22103/jdc.2020.15975.1097
- حسینی نوریان، سیدابراهیم، و رحمانی فیروزجاه، علی، و فرزانه، سیف اله. (۱۳۹۸). رابطه ی سرمایه اجتماعی و فرهنگ مالیاتی (مطالعه ی موردی مودیان شهرهای غرب استان مازندران). *جامعه شناسی اقتصادی و توسعه*، ۸(۲)، ۱۰۵-۱۳۴. doi: 20.1001.1.23224371.1398.8.2.5.3
- حیدرزادی، حسین، و خدایانه، مسعود، و منتظر حجت، امیرحسین. (۱۴۰۱). عوامل تعیین کننده فرار مالیاتی در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصاد سنجی بیزین. *پژوهش نامه مالیات دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳۰(۵۳). doi: 10.52547/taxjournal.30.53.4
- رحیمی کیا، اقبال، و محمدی، شاپور و غضنفری، مهدی. (۱۳۹۴). تشخیص فرار مالیاتی با استفاده از سیستم هوشمند ترکیبی، *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳(۲۶)، ۱۳۶-۱۶۴. <http://taxjournal.ir/article-1-579-fa.html>
- رستم بیگی حمیدرضا، آینه بند مقداد. (۱۴۰۲). فرار مالیاتی اشخاص حقوقی با استفاده از هوش مصنوعی. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۱(۶۰)، ۲۰۰-۲۱۷. doi: 10.61186/taxjournal.34.60.199
- رضاقلی زاده، مهدیه، و آقایی، مجید، و عالمی، امیرحسین. (۱۳۹۸). تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه- علل چندگانه (MIMIC). *مجلس و راهبرد*، ۲۶(۹۷)، ۱۹۱-۲۲۶. https://nashr.majles.ir/article_301.html

زارع بهنمیری، محمدحسن، رحیمیان امیری، محمدحسین، و تیرگان، محمد. (۱۴۰۱). اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)*، ۱۴(۵۴)، ۱۸۷-۲۰۲. doi: 10.22034/iaar.2022.153938

زنگانه، میثم، و عاشوری شیخی، الهام، و عبداللهی، احمد. (۱۳۹۱). بررسی و شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی با استفاده از رویکرد دیمتل فازی (مطالعه موردی استان گلستان). *فصلنامه مهندسی مدیریت نوین*، ۱(۳)، ۳۵-۵۰. https://journals.iau.ir/article_526983.html

زمانی، لیلا، برزویان شیروان، صمد، کریمی جعفری، فاطمه، و انصاری، محسن. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر خدمات الکترونیکی دولت بر فرار مالیاتی با نقش تعدیل کننده فناوری اطلاعات و ارتباطات. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۲(۶۱)، ۱۷۰-۲۱۸. doi: 10.61186/taxjournal.32.61.170

صامتی، مجید، و ایزدی، افسانه، و فتحی، سعید. (۱۴۰۰). تعیین عوامل موثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فرا تحلیل. *اقتصاد باثبات*، ۲(۲)، ۱-۲۲. doi: 10.22111/sedj.2021.38231.1113

صمدی، علی حسین، و تابنده، راضیه. (۱۳۹۲). فرار مالیاتی در ایران (بررسی علل و آثار و برآورد میزان آن). *مجله تحقیقات مالیاتی*، ۱۹، ۱۰۶-۷۷. <http://taxjournal.ir/article-1-196-fa.html>

صمدیان، هومن، سیفی پور، رویا، دامن کشیده، مرجان، هادی نژاد، منیژه، کیقبادی، امیررضا. (۱۴۰۳). رابطه عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نرخ موثر مالیاتی با فرار مالیاتی در ایران با استفاده از مدل چرخشی و تغییر رژیم آرچ مارکوف سوئیچینگ. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۲(۶۱)، ۲۱۹-۲۴۸. doi: 10.61186/taxjournal.32.61.219

ضیاتبارا احمدی، مقداد، و کریمی پتانلار، سعید. (۱۳۹۸). مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی. *فصل نامه سیاستهای مالی و اقتصادی*، ۷(۲۷)، ۸۶-۷۱. <http://qjfp.ir/article-1-837-fa.html>

عبداله میلانی، مهنوش، و اکبرپور روشن، نرگس. (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیر رسمی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مالیات*، ۱۳(۲۰). <http://taxjournal.ir/article-1-71-fa.html>

کریمی پتانلار، سعید، و عبداللهی، محمدرضا، و بهادر مایوان، سحر. (۱۳۹۰). تاثیر اثر بخشی دولت بر درآمد های مالیاتی: مطالعه‌ی موردی کشورهای در حال توسعه. *دومین همایش ملی دانشجویی اقتصاد ایران*، دانشگاه مازندران.

کریمی پتانلار، سعید، و گیلک حکیم‌آبادی، محمد تقی، و صابر نوچمنی، فاضل. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر اثر بخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی در کشور های منتخب. *پژوهش نامه مالیات دانشگاه مازندران*، ۲۳(۲۷)، ۹۰-۶۳. <http://taxjournal.ir/article-1-709-fa.html>

محمدباقری، مصطفی و جهانشاد، آذیتا. (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی و انتخاب بهترین راهبرد برای کاهش آن. *فصلنامه سیاست‌های کلان و راهبردی*، ۷ (ویژه نامه)، ۱۱۸-۱۳۷. doi: 10.30507/jmsp.2020.102396

نظری، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت. *اقتصاد کاربردی*، ۶(۲)، ۶۷-۶۷. https://journals.srbiau.ac.ir/article_10258.html

- هادیان، ابراهیم، و تحویلی، علی. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران. *برنامه ریزی و بودجه*، ۲(۱۸)، ۳۹-۵۸. doi: 20.1001.1.22519092.1392.18.2.3.2
- یگانه، یحیی و رضایی، شهرزاد. (۱۳۹۷). مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۵(۵۸)، ۲۷-۵۸. doi: 10.22054/qjma.2018.9425
- Abdollahmilani, M., & Akbarpourroshan, N. (2012). Tax evasion from the underground economy in Iran. *Journal of tax Research*, 20(13), 141-168. <http://taxjournal.ir/article-1-71-en.html> [In Persian]
- Alm, J. (2005). *Tax Evasion, the Encyclopedia of Taxation and Tax Policy*, Second Edition, 401-404.
- Arja, S., & Agatha, N.S., & Evania, Y., & Melissa, G.H. (2019). Factors Affecting Perception of Tax Evasion Among Chindos. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 144(3), 487-493. doi: 10.2991/aebmr.k.200606.083
- Barbuta, N. (2008). *Economic and Non-Economic Factors for Tax Compliance*. University of Galati.
- Bolori, A., Moradi, M., & Yazdani, H. (2021). Design a Tax Evasion Model Based on Income Tax: Grounded Theory Approach. *Governmental Accounting*, 7(1), 9-30. doi: 10.30473/gaa.2021.56473.1435 [In Persian]
- Chaman, T., Mohajeri, P., & Arabmazar Yazdi, A. (2019). The Impact of Financial Development on Tax Evasion in Iran. *Economics Research*, 19(72), 105-139. doi: 10.22054/joer.2019.10156
- Cebula, R., & Feige, E. (2010). America underground economy: Measuring the size, growth and determinants of income tax evasion in the US. *MPRA Papers*, 29672, University of library of Munich, 1- 23. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/29672/>
- Hadian, E., & Tahvili, A. (2013). Tax evasion and its determinants in the Iranian economy (1971-2007). *Planning and Budgeting*, 18(2), 39-58. doi: 20.1001.1.22519092.1392.18.2.3.2 [In Persian]
- Hasas Yeghaneh, Y., & Rezaei, S. (2018). A Model for Impact of Corporate Social responsibility And Tax Management costs on Avoidance and Tax Evasion. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(58), 27-58. doi: 10.22054/qjma.2018.9425 [In Persian]
- Hassanzadeh Jezdani, A. R. (2021). Investigating the Repercussion of Macroeconomic Variables to Taxes in the Iranian Economy in the Framework of the Dynamic Equilibrium General Equilibrium Model. *Journal of Development and Capital*, 5(2), 85-104. doi: 10.22103/jdc.2020.15975.1097 [In Persian]
- Heidarzadi, H., Khodapanah M., & Montazer Hojat, A. H. (2022). Investigating the Tax Fraud Determining Factors in the Iran's Economy by Examining Bayesian Econometrics. *Journal of Tax Research*, 30 (53), 97-122. doi: 10.52547/taxjournal.30.53.4 [In Persian]
- Izadkhasti, H., dadgar, Y., & Beygi, P. (2022). Investigating the Simultaneous Impact of Institutional Quality and Tax Evasion on the Performance of the Tax System in Selected Mena Countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 18(4), 125-158. doi: 10.22055/jqe.2021.31807.2181 [In Persian]
- Gioacchino, D., & Fichera, D. (2020). Tax evasion and tax morale: A social network analysis. *European Journal of Political Economy*, 65(3), 65-89. doi: 10.1016/j.ejpoleco.2020.101922
- Johnson, S., Kaufmann, D., McMillan, J., & Woodruff, C. (2000). Why do firms hide? Bribes and unofficial activity after communism. *Journal of Public Economics*, 76 (3), 495-520. doi: 10.1016/S0047-2727(99)00094-8
- Khani, A., Imani, K., & Yosefi, A. (2014). Tax Avoidance, How to Measure and Factors Affecting It. *Journal of Accounting and Social Interests*, 4(4), 121-142. doi: 10.22051/ijar.2015.2013

- Karimi Potanlar, S., Taghi Gilak Hakimabadi, M., & Saber Nochamani, F. (2015). Investigation of Government Effectiveness Impact on Reducing Tax Evasion: The Case Study of Selected Countries. *Journal of tax research*, 23(27), 63-90. <http://taxjournal.ir/article-1-709-en.html> [In Persian]
- Mohammad Bagheri, M. & Jahanshad, A. (2020). identifying and prioritizing factors responsible for tax evasion and selecting the best solution to reduce it. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 7(Special Issue), 119-136. doi: 10.30507/jmsp.2020.102396 [In Persian]
- Pourfard, S., & Ghalibafasl, H. (2020). Impact of Tax Evasion and Tax Corruption on the Private Investment and Public Expenditure as Factors of Economic Growth. *Journal of Development and Capital*, 5(1), 1-22. doi: 10.22103/jdc.2020.13521.1066 [In Persian]
- Rahimikia, E., Mohamadi, S., & Ghazanfari, M. (2015). Tax Evasion Detection by Using Combinatory Intelligent System. *Journal of Tax Research*, 23(26), 136-164. <http://taxjournal.ir/article-1-579-en.html> [In Persian]
- Rezagholizadeh, M., Aghaei, M., & Alami, A. (2019). Estimating tax evasion in Iran and investigating its causes and effects: A Multiple Indicators - Multiple Causes (MIMIC) Approach. *Majlis and Rahbord*, 26(97), 191-226. https://nashr.majles.ir/article_301.html?lang=en [In Persian]
- Richardson, G. (2006). Determinants of tax evasion: A cross country investigation. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15(2), 150- 169. doi: /10.1016/j.intaccudtax.2006.08.005
- Rostam Beiggi H, & Ayneband M. (2024). Detecting Tax Evasion of Legal Entities Using Artificial Intelligence. *Journal of Tax Research*, 31 (60), 200-217. doi: 10.61186/taxjournal.34.60.199 [In Persian]
- Samadi, A., & Tabande, R. (2013). Tax Evasion in Iran: its Causes, Effects and Estimation. *Journal of Tax Research*, 21(19), 77-106. <http://taxjournal.ir/article-1-196-en.html> [In Persian]
- Samadian, H., DamanKeshideh, M., Seyfipour, R., Hadinejad, M., & Keyghobadi, A. (2024). The Relationship Between Economic Policy Uncertainty and the Effective Tax Rate with Tax Evasion in Iran Using the Rotation Model and Arch Markov Switching Regime Change. *Journal of Tax Research*, 32(61), 219-248. doi: 10.61186/taxjournal.32.61.219 [In Persian]
- Sameti, M., Izadi, A., & Fathi, S. (2021). Determining Effective Factors on Tax Evasion using the Method of Meta-Analysis Abstract. *Stable Economy Journal*, 2(2), 1-22. doi: 10.22111/sedj.2021.38231.1113 [In Persian]
- Shneider, F., & Enste, D. (2000). Shadow Economics Around the World: Size, Causes, and Consequences. *Journal of Economic Literature*, 38 (1), 77-114.
- Sookram, S. & Watson, P. (2005). Tax evasion, growth and the hidden economy in Trinidad and Tobago. *Institute of Social and Economic Studies, Working Paper 418*, 1-18.
- Zamani, L., Borzoian Shirvan, S., Karimi Jafari, F., & Ansari, M. (2024). Investigating the impact of electronic government services on tax evasion with the moderating role of information and communication technology. *Journal of Tax Research*, 32(61), 170-218. doi: 10.61186/taxjournal.32.61.170
- Zare Bahnemiri, M. H., Rahimian Amiri, M. H., & Tirgan, M. (2022). Prioritizing Factors Affecting Tax Evasion. *Accounting and Auditing Research*, 14 (54), 187-202. doi: 10.22034/iaar.2022.153938 [In Persian]
- Ziatabar Ahmadi, M., & Karimi Petanlar, S. (2019). Value Added Tax and Tax Evasion. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 7 (27), 71-86. <http://qjefp.ir/article-1-837-fa.html> [In Persian]